

دفتر سیاسی طالبان در قطر بازی بسیار خطرناک غرب.

هموطنان عزیز آگاهی دارند که با بلند شدن سرو صدای امضاء معاهده ستراتیژیکی بین دولتین جمهوری اسلامی افغانستان و اضلاع متحده امریکا برای تأسیس پایگاه های نظامی امریکا در افغانستان، نگرانی جدی را برای فدراسیون روسیه ایجاد کرد که در نتیجه فدراسیون روسیه برای جلوگیری از عواقب ناگوار آن بالادرنگ کانفرانس امنیتی مشترک چهارده عضو فدراسیون را دائر و فیصله نمود که هیچ یک از اعضای فدراسیون نمیتواند به تنهایی با کشور سومی خارج حلقه فدراسیون موافقه نظامی را امضاء نماید.

و از جانب دیگر علرغم موافقه لویه جرگه عنعنوی مشورتی مؤرخ ۲۸ عقرب ۱۳۹۰ هـ ش به ساختمان پایگاه های نظامی در افغانستان چنان شرایطی را در قطعنامه وضع کردند که تحت آن شرایط برای امریکا ناممکن است که پایگاه های نظامی خود را بسازد و به اهداف خود از طریق نظامی برسد بناءً امریکا و انگلستان که بیش از دو قرن آرزوی رسیدن به آسیای مرکزی را داشتند با اشغال افغانستان و ساختمان پایگاه های نظامی خود کشورهای آسیای مرکزی را بلعیده حساب کرده بودند اما با اقدام اخیر فدراسیون روسیه و قطعنامه جرگه عنعنوی مشورتی چنان سلی های شدید، دردناک و غیر قابل تحمل را به روی خوردند که تمام نقشه های پیشروی شان را از طریق نظامی نه تنها نقش بر آب ساخت بلکه مشکل و نهایت پر مصرف نیز گردانید فلذا حال با تغییر سیاست میخواهند بار دیگر افغانستان عزیز ما را قربانی آرزوهای پلید خود سازند، به این معنی که برای پیشروی خود در منطقه، خاصاً آسیای مرکزی و ایران با استفاده از نام طالبان یعنی به اصطلاح قوم پشتون بشمول عده ای از اقوام دیگر خود فروخته شده افغان که به یقین در عقب اعراب وهابی، پاکستانی ها، چینائی ها، افراطیون تربیه شده آسیای مرکزی و حتی مسلمان چین نیز خواهند بود در مناطق پشتون نشین دو طرف خط سیاه دیورند تحت اداره به اصطلاح طالبان ساخته و بافته خود شان تحت تربیه گرفته شده و از پدیده های سیاه تروریسم و انکشاف تولید و قاچاق مواد مخدره در افغانستان استفاده نموده و تروریسم را در مناطق آسیای مرکزی و احتمالاً ایران نیز الی رسیدن اهدافشان که دسترسی به نفت و گاز سرشار مناطق میباشد دوام بدهند.

برای رسیدن به این آرزوی خود از یک طرف بدون موافقه دولت جمهوری اسلامی افغانستان که از سالها گلو از سرو صدای مذاکرات صلح با طالبان پاره نموده و به مصارف گزاف بین المللی و خاصاً امریکا شورای عالی صلح را تأسیس و کار میکنند و همچنان دولت اسلامی پاکستان که مرکز و منبع تربیه گاه مخالفین مسلح و تروریستها میباشد و اشتراک هردو دولت در مذاکرات با طالبان حتمی و ضروری می باشد کنار زده شده اند که این اقدام امریکا و انگلستان نه تنها توهین به دول پاکستان و افغانستان است بلکه توهین به ملل دو کشور همسایه نیز میباشد. و همچنان از جانب دیگر عده ای از تجزیه طلبان غیر پشتون را با تعدادی از اعضای کانگرس امریکا به آلمان سوق داده اند که با اعضای سوشیل دیموکرات کانگره آلمان موضوع فدرالیزم را که در نهایت امر خدانخواستہ تجزیه افغانستان است مطرح نمایند.

خواهران و برادران میهن دوست میدانند که از آغاز در کانفرانس بن اول برای رهبران طالبان، حزب اسلامی و حقانی که هر سه پشتون اند در تصمیمگیری آینده افغانستان سهم داده نشد بلکه برای پیشبرد مرامهای شوم آینده خود و دوام جنگ در افغانستان که در نهایت هدف از رسیدن به منابع سرشار نفتی آسیای مرکزی و ایران بود هر سه جناح را امریکا و انگلستان در آغوش حفظ، تمویل و مسلح نموده اند و هر سه جناح بنام مسلمان و پشتون از سه سرنای مختلف مکرراً یک نغمه خروج نیروهای خارجی از افغانستان، تغییر قانون اساسی و ایجاد یک دولت اسلامی را بلند و مشترکاً با امریکا و انگلستان مناطق پشتون نشین دو طرف خط سیاه دیورند را مورد ضربات غیر انسانی تروریستی، ماینگذاریها و بمباردمانهای هوایی و راکتی قرار داده اند و در نتیجه نه تنها خواهران و برادران عزیز ما را در هردو طرف خط سیاه دیورند به خاک و خون کشانده اند و کلبه های شانرا ویران و به تگدی سوق داده اند بلکه تابوتهای عساکر خود (قوتهای نظامی) را نیز به کشورهای خود انتقال و فامیلهای ملت های خود را در غم و اندوه غرق نموده اند و حال امریکا و انگلستان بعد از ده سال جنایات خود برای رسیدن آرزوهای پلید شان در منطقه خاصاً آسیای مرکزی و ایران بدون گذاشتن احترام به دول و ملل افغانستان، پاکستان و ایران که هریک در جغرافیای خود علایق و منافع خود را در منطقه و جهان دارند خلاف میثاقهای بین المللی نمایندگی ای را بنام " دفتر سیاسی " برای به اصطلاح طالبان که به هیچ نوع از برادران پشتون نمایندگی نمیتوانند در قطر کشوده اند که

بدون حضور دولتین افغانستان و پاکستان در مذاکرات پشت پرده در قطر از یکطرف و از جانب دیگر با تجزیه طالبان جنایتکار خود فروخته شده برادران تاجک، ازبک و هزاره که به هیچ وجه آنها نیز از اقوام شریف، نجیب و میهن دوست خود نمایندگی نمیتوانند با عده ای از امریکائی ها و آلمانی ها میخوانند در آلمان سرنوشت افغانستان و ملت نجیب افغان را رقم زنند یعنی مادر وطن عزیز ما را خداناخواسته بنام فدرالیزم به قطعات کوچک تقسیم نمایند. باید متذکر شد با احتمال قوی در این امر فدراسیون روسیه نیز موافق با غرب خواهد بود چه آنها نیز در وقت اشغال اتحاد جماهیر شوروی و حتی فدراسیون امروزی در دوره داکتر نجیب الله نیز تلاش نمودند که افغانستان را به دو قسمت شمال و جنوب تقسیم نماید. همچنان هیأت با صلاحیت حزب اسلامی که با تأسیس دفتر سیاسی قطر برای مذاکرات با اصطلاح طالبان تنور مذاکرات را داغ دیده اند میخوانند نان خود را در تنور بزند تا لقمه نانی پخته ای از آن برای خود بدست آرد بدون معطلی پاچه ها را بر زده و به دربار جلالتماب حامد کرزی رفته و میگویند که ما آماده صلح میباشیم و برای ایجاد صلح با امریکائی ها مذاکره میکنیم نه با دولت افغانستان، طالبان و حقانی، بنام شما وطندوستان و وطندوستی شما را که چون وطنفروشان و جنایتگران دیگری که به دربار آلمان تشریف برده اند شما نیز میخواهید لقمه چربتری را از امریکا تصاحب شوید و میگویند که رهبر حزب اسلامی میفرماید که من علاقمند به رهبری نیستم یکی از اعضای حزب اسلامی برای رهبری مؤقت معرفی میشود. در این قسمت باید عرض شد که قبلاً در فیصله مؤرخ ۳ مارچ ۱۹۹۳م اسلام آباد نیز وعده داده بودند که بمقام صدارت و رهبری علاقمند نیستند در عوض نماینده خود را بحیث صدراعظم معرفی میدارند که چنان هم شد جناب معلم صاحب فرید را بحیث صدراعظم معرفی و خودشان از چهار آسیاب برای گرفتن مقام ریاست جمهوری به شهر تاریخی کابل راکتار را به مواضع رقیبان قدرتطلب خود فیر میکردند که در نتیجه جنگهای داخلی تنظیمی جنایتکاران به اساس راپور ۱۹۹۵م حقوق بشر و هلال احمر بین المللی در بین سال های ۱۹۹۲م الی ۱۹۹۵م بیش از ۶۵۰۰۰ زن، مرد و طفل مظلوم و بیچاره شهید و شهر کابل بخاک و خون هموار شد و حال میخوانند آقای فاروق وردگ وزیر معارف را که از قبل به ریاستهای معارف ولایات و مکاتب امر صادر فرموده اند که بنام طالبان اعضای حزب اسلامی را بحیث معلمین مقرر تا تحت چتر تدریس علوم دینی زمینه گرفتن قدرت را در سراسر افغانستان مساعد سازند. و همچنان جنایات شان در دوره جهاد در پاکستان در جرائد وقت ذیل و واشنگتن پست، نیویارک تایمز، فایننشیل پست بشمول جرائد فرانسوی به وضاحت تحریر گردیده که بر علاوه اینکه مصروف قاچاق مواد مخدره و جنایات دیگر بودند. قصی القبی آنها نیز چنان بود که

MCCOY, 2003.PP.475

DREYFUSS, 2005, PP.PP. 267-26

زندانیان را زنده پوست میکردند و این قصی القبی شان نزد امریکا پاینت مثبت بود یعنی آنها با خصلت قصی القبی ایشان میتوانستند قشون سرخ اتحاد شوروی را شکست بدهند و نیز وظیفه داشتند که در دوره جهاد چپی ها، روشنفکران و بیطرفان را چون دوره اشغال روسها در داخل افغانستان بکلی محو نمایند تا زمینه حکومتداری برای مجاهدین مساعد شود. اگر برادران و خواهران به آنچه من نقل قول نموده ام اعتبار ندارند میتوانند به کتابخانه ها مراجعه فرموده خود موضوعات نشر شده را به تفصیل بخوانند من از دریا قطره ایرا به توجه خوانندگان عزیز رساندم.

هموطنان عزیز حال کارد به استخوان ملت مظلوم و بیدفاع رسیده و یکپارچگی مادروطن عزیز ما افغانستان در خطر است لهذا بیانیید لطفاً شخصیت پرستی ها و بیگانه پرستی ها را کنار بگذاریم، خدا پرستی را شعار خود سازیم و نیز قوم پرستی، اختلافات زبانی و اختلافات مذهبی را بگور سپرده خود را مسلمان و افغان بدانیم. ما تنها با دادن شعارهای کلمات چون وحدت، صلح، ایجاد حکومت مؤقت و تغییر قانون اساسی بکدام جایی رسیده نمیتوانیم تا به ملت، کشورهای منطقه و جهان وحدت برای ایجاد صلح را در یک خط مشی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی که طرف پذیرش ملت، کشورهای منطقه و جهان باشد تعریف نکنیم. تا ملت و جهانیان معتقد نگردند که ملت افغانستان واقعاً صلح دوست است و میخواند کشور خود را در فضای دوستی و همزیستی مطابق هدایات منشور ملل متحد در روشنی علم و معرفت به پیش برند نه اینکه بگویم اول قدرت را میگیریم و بعداً تصمیم میگیریم به نتیجه مثبت نمیرسیم. بلی اگر ما بتوانیم اول پلان و اهداف مشخص طرف قبول ملت را ترتیب و به دور آن متحد شویم در آن وقت پاهای دشمنان آزادی ما نیز به لرزه می آید.

برادران و خواهران گرانقدر من در شرایط کنونی باز نمودن دفتر سیاسی طالبان در قطر را در عدم حضور دول افغانستان و پاکستان و همچنان مذاکرات مخفی آلمان را جدی تقبیح میکنم بلکه معتقد به اینم که قضیه افغانستان باید مثل دوره اشغال اتحاد جماهیر شوروی که در کانفرانس جینوا حل گردید بار دیگر موضوع تحت چترسازمان ملل متحد در کانفرانس که در آن نمایندگان باصلاحیت دول افغانستان، پاکستان و پنج عضو دایمی شورای امنیت ملل متحد حضور داشته باشند با در نظر داشت شرایط سی سال گذشته و امروز در افغانستان و منطقه حل گردد نه در دفتر سیاسی قطر و یا آلمان. در غیر آن پیشنهاد مفصل سیزده صفحه ای مؤرخ ۲ جنوری ۲۰۱۰م اینجانب را که در

وېبسایتهای مختلف موجود است در یک کانفرانس بین الافغانی از دانشمندان مورد غور و مذاقه قرار داده تصامیم
لازمه گرفته شود.
من الله توفیق